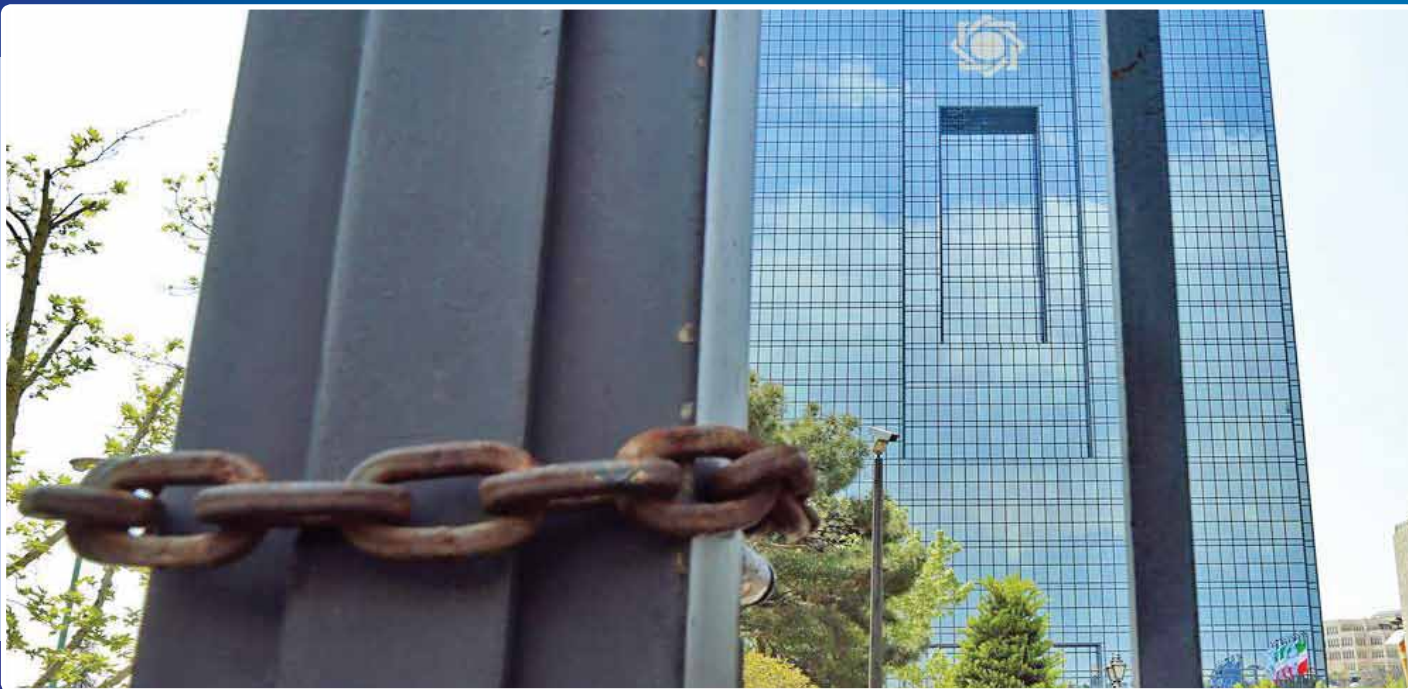


گزارش «وطن امروز» از رشد افسار گسیخته میزان بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی طی ۸ سال دولت روحانی

شریک جرم تورم

عبدالناصر همتی چگونه با عملکرد خود باعث رشد ۶۰ درصدی بدهی بانک‌ها و رشد فزاینده نقدینگی شده است

زهرا فریدزاده‌گان: استقرار پول یکی از ابزارهای مورد استفاده بانک‌ها برای تأمین منابع مالی مورد نیاز آنهاست. بانک‌ها عموماً پس از دریافت مجوز از سوی بانک مرکزی برای استقرار پول، می‌توانند پولی را از بانک مرکزی به صورت قرض (وام) دریافت کنند مشروط بر اینکه این پول در موعد مشخصی به بانک مرکزی عودت داده شود. در واقع استقرار پول توسط بانک‌ها، بدهی آنها به بانک مرکزی محسوب می‌شود. حال اگر بانک‌ها در بازگرداندن پول به بانک مرکزی تعلل کرده یا پول دریافتی را به بانک مرکزی بازنگردانند، از یک سو با انباشت بدهی مواجه می‌شوند و از سوی دیگر نقدینگی و پولی اضافه بر ظرفیت در شبکه بانکی به جریان می‌افتد که می‌تواند علاوه بر ایجاد تورم، تبعات سوء دیگری از جمله افزایش پایه پولی در کشور را به همراه داشته باشد. پایه پولی به نسبت میان اسکناس عرضه‌شده از سوی بانک مرکزی و مجموع دارایی‌های این بانک گفته می‌شود که هرچه نسبت این ۲ مؤلفه بزرگ‌تر باشد، به این معناست که میزان نقدینگی و به تبع آن تورم در کشور بیشتر است یا به عبارت دیگر، بزرگ بودن نسبت میان این ۲، بیانگر پایین بودن ارزش پول است. با این تفاسیر، موضوع بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و صندوق توسعه ملی یکی از چالش‌های همیشگی نظام بانکداری کشور بوده که به گفته کارشناسان اقتصادی نبود راهکارهای عملی مناسب برای مدیریت بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی از یک سو و ناکارآمدی سیاست‌های مالی دولت، کسری پنهان بودجه، ناترازی منابع و مصارف بانک‌ها، سیاست‌های نظارتی و کاستی اقتدار قانونی بانک مرکزی در قبال اضافه برداشت از سوی دیگر، زمینه‌ساز رشد بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی می‌شود. همچنین عملکرد ۲ سال اخیر بانک مرکزی در زمینه مدیریت نرخ ارز، نرخ تورم، نقدینگی، پایه پولی و بدهی دولت به بانک مرکزی، ضعیف‌ترین عملکرد دهه‌های اخیر بوده است.



با افزایش ۸۱ درصدی به ۲۳۶ میلیارد تومان رسیده است. پس از بانک کارآفرین، بانک دی در سال‌های ۹۷ و ۹۸ بیشترین میزان بدهی را به بانک مرکزی داشته است. بانک سامان نیز در سال ۹۸ با میزان بدهی بیش از ۴ هزار میلیارد تومان در جایگاه سوم ۱۰ بانک بدهکار قرار دارد.

توزیع پول به بخش دولتی

بر اساس آمار ارائه‌شده از سوی مرکز آمار ایران، رشد اقتصادی کشور در سال ۹۷ و در بخش صنعت منفی ۹/۶ بوده است. در سال ۹۸ نیز رشد اقتصادی ۷ درصد و نرخ رشد تولید در گروه صنعت نسبت به سال ۹۷ به منفی ۱۴/۷ درصد کاهش یافته است. این آمار گویای آن است که با وجود استقرار بانک‌ها به بانک مرکزی، بانک‌ها به جای تزریق پول به بخش تولید، اقدام به پیمایش پول به اقتصاد کشور و بخش دولتی و واسطه‌گری و افزایش ثروت خود کرده‌اند و در نتیجه این اقدام علاوه بر تبعات سوئی که بر تولید ملی کشور بر جای مانده و رشد اقتصادی را شدت کاهش داده، بر بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و صندوق توسعه ملی نیز افزوده است. بنابراین این سوال مطرح است که چرا بانک مرکزی و صندوق توسعه ملی اقدام به ارائه وام به بانک‌ها کرده‌اند؟ از سوی دیگر در سال‌های اخیر ناترازی بانک‌ها کشور شدت رشد کرده است؛ این ناترازی موجب شده نظام بانکی برای پوشش بدهی‌های خود دست به اضافه برداشت از بانک مرکزی زده و بر همین منوال بدهی‌های خود را روزبه‌روز افزایش دهد.

گزارشی از تحولات اقتصادی کشور ارائه نشده! در آخرین روزهای اسفندماه سال ۹۹ همتی اعلام کرد بانک مرکزی با همکاری وزارت اقتصاد توانسته است از افزایش ۳۲ درصدی پایه پولی در کشور جلوگیری کند. این در حالی است که از زمان ریاست همتی بر بانک مرکزی تاکنون، هیچ گزارشی از تحولات اقتصادی کشور روی خروجی سامانه بانک مرکزی ارائه نشده است؛ از طرف دیگر بررسی صورت مالی بانک‌ها از سال ۹۷ به بعد که نشان‌دهنده رشد بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی است، با ادعای همتی مبنی بر عدم رشد پایه پولی در کشور مغایرت دارد.

بررسی صورت مالی ۱۰ بانک صادرات، ملت، تجارت، رفاه، دی، آینده، پارسیان، سامان، کارآفرین و اقتصاد نوین و میزان بدهی این بانک‌ها به بانک مرکزی از سال ۹۷ تا ۹ ماهه سال ۹۹ نشان می‌دهد در پایان نخستین سال ریاست همتی بر بانک مرکزی (از مرداد) میزان بدهی این بانک‌ها با رشد ۶۲ درصدی از ۱۲۵ هزار و ۶۴۷ میلیارد تومان در سال ۹۶ به ۲۰۴ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان در پایان سال ۹۷ رسیده است. در سال ۹۸ هم بدهی ۱۰ بانک مذکور همچنان روند صعودی خود را طی کرد و ۱۶ درصد افزایش نسبت به سال ماقبل به بیش از ۲۳۷ هزار میلیارد تومان رسید. در میان بانک‌های مورد بررسی در این گزارش، بانک کارآفرین صدرنشین بدهکاران بانکی به بانک مرکزی است. بدهی بانک کارآفرین در سال ۹۷ بیش از ۱۳۰ میلیارد تومان برآورد شده است که این رقم در سال ۹۸

ریاست بانک مرکزی را مرداد سال ۹۷ به عهده گرفت که بر اساس آمار موجود، میزان بدهی ۱۰ بانک مورد بررسی در این گزارش به بانک مرکزی در سال ۹۶ نسبت به سال ۹۲ بیش از ۲۰۰ درصد افزایش یافته بود. از سوی دیگر رشد نقدینگی کشور با استانداردهای جهانی فاصله زیادی دارد و پارشد اقتصادی هماهنگ نیست داده‌های جدول زیر که وضعیت اقتصاد کشور از نظر رشد نقدینگی طی سال‌های ۹۳ تا ۹۹ را نشان می‌دهد حاکی از رشد فزاینده نقدینگی است که یکی از دلایل عمده آن رشد قابل توجه بدهی‌های بانکی بوده است. همچنین طبق آمارها، میانگین رشد اقتصادی طی این سال‌ها نزدیک صفر است که نشان می‌دهد نقدینگی برای رونق تولید هدایت نشده است.

سال	درصد رشد نقدینگی
۱۳۹۲	۲۲
۱۳۹۴	۳۰
۱۳۹۵	۲۳.۲
۱۳۹۶	۲۲.۱
۱۳۹۷	۲۳.۱
۱۳۹۸	۲۵.۱
۱۳۹۹	۴۰.۶

آخرین آمار ارائه‌شده از سوی بانک مرکزی مربوط به سال ۹۷ است که بر اساس آن بیشترین میزان رشد پایه پولی با ۲۴/۲ درصد رشد در کشور رقم خورده است.

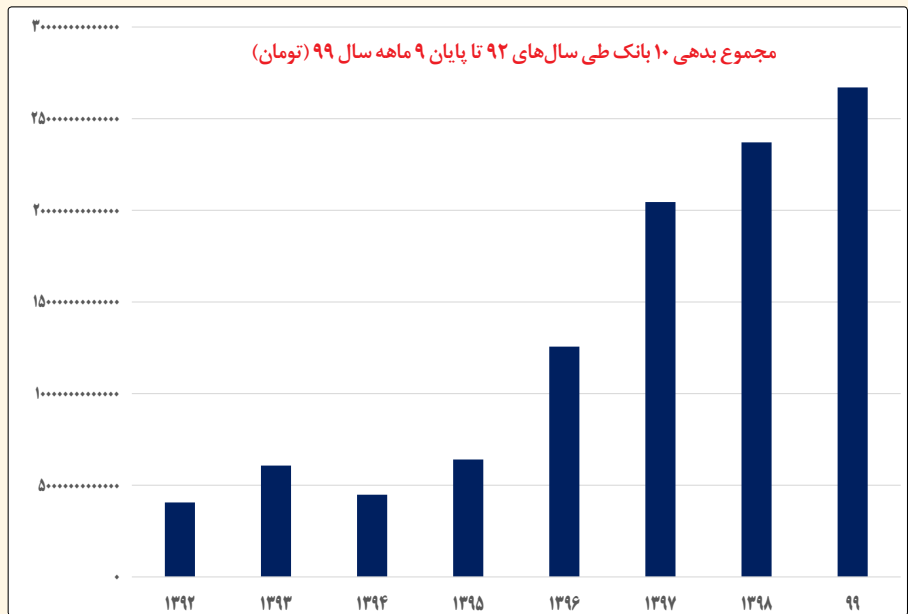
صعود بدهی‌های بانکی

یکی از منابع قابل استناد برای بررسی میزان بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی، بررسی صورت مالی بانک‌هاست که از طریق سامانه کدال منتشر می‌شود. مروری بر عملکرد ۱۰ بانک صادرات، ملت، تجارت، رفاه، دی، آینده، پارسیان، سامان، کارآفرین و اقتصاد نوین طی سال‌های ۹۲ تا پایان ۹ ماهه سال ۹۹ نشان می‌دهد بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی طی ۸ سال گذشته بیش از ۵۵۷ درصد رشد داشته است.

ولی‌الله سیف نخستین رئیس کل بانک مرکزی در دولت روحانی بود که از سال ۹۲ تا مردادماه سال ۹۷ ریاست کل این بانک را به عهده داشت. نگاهی به کارنامه سیف در حوزه بانکی نشان می‌دهد در دوره او بدهی بانک‌ها (۱۰ بانک مورد بررسی در این گزارش) به بانک مرکزی تا سال ۹۵ با شیب نسبتاً ملایمی افزایش یافته است. بر این اساس ارزیابی بدهی ۱۰ بانک مذکور به بانک مرکزی در سال ۹۲ نشان از بدهی بیش از ۴۰ هزار میلیارد تومانی بانک‌ها دارد این در حالی است که در سال ۹۳ این رقم به حدود ۶۰ هزار میلیارد تومان رسیده و در سال‌های ۹۴ و ۹۵ به ترتیب به ۴۴ هزار میلیارد تومان و ۶۴ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. سال ۹۶ و در آخرین سال ریاست سیف بر بانک مرکزی نیز میزان بدهی ۱۰ بانک مورد بررسی از مرز ۱۲۰ هزار میلیارد تومان نیز گذشت تا در آشفته‌بازار اقتصادی سال ۹۷ سکان بانک مرکزی به عبدالناصر همتی واگذار شود. همتی در حالی

صندوق توسعه ملی نیز به‌عنوان یک نهاد با رویکردی دانش‌محور، مسئولیت دارد بخشی از درآمدهای حاصل از فروش نفت، گاز و معیانات گازی را به ثروت‌های مولد تبدیل کند. لذا این صندوق با انعقاد قرارداد عاملیت با بانک‌های خصوصی و غیرخصوصی، تعاونی و نهادهای عمومی غیردولتی به عنوان شریک راهبردی، تسهیلات ارزی و ربالی را برای انجام فعالیت‌های تولیدی در اختیار بانک‌ها و سایر نهادهای طرف قرارداد خود قرار می‌دهد. در نتیجه متقاضیان دریافت تسهیلات از صندوق توسعه ملی تنها می‌توانند از طریق بانک‌های عامل طرف قرارداد صندوق برای دریافت تسهیلات اقدام کنند. به این ترتیب بانک‌ها همواره یکی از بدهکاران صندوق توسعه ملی هستند و به باور اقتصاددان‌ها، بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و صندوق توسعه ملی به‌هیچ‌وجه قابل بازپرداخت نیست، بلکه این بدهی‌ها هر ساله بر بدهی سسال پیش از آن افزوده و انباشته‌شده و از دولتی به دولت دیگر منتقل می‌شود.

بانک مرکزی هر ساله گزارشی از خلاصه تحولات اقتصادی کشور ارائه می‌دهد که بر اساس آن عملکرد نظام بانکی کشور در بخش‌های مختلف مشخص می‌شود. همان‌طور که گفته شد یکی از تبعات افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی رشد پایه پولی در کشور است. طبق گزارش بانک مرکزی، پایه پولی طی سال ۹۲ نسبت به سال ماقبل آن معادل ۱۷/۸ درصد افزایش یافته است. این رقم در سال ۹۳ رشد ۱۰/۷ درصدی داشته است. در سال ۹۴ نیز پایه پولی معادل ۱۶/۹ درصد افزایش یافته و در سال ۹۵ افزایشی معادل ۱۷/۳ درصد را تجربه کرده است. در سال ۹۶ نیز پایه پولی ۱۹ درصد رشد داشته است.



چرخه معیوب ضد تولید دولت باعث انباشت بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی شد



ریشه در نابرابری و ناترازی بودجه و فزونی هزینه‌ها بر درآمدهای دولت دارد. در واقع تا زمانی که درآمدهای کشور وابسته به درآمدهای نفتی باشد، هیچ برنامه و سیاستی نمی‌تواند در کاهش بدهی بانک‌ها موثر واقع شود. افقه در ادامه با اشاره به تاثیر سود بانکی بر افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی نیز می‌گوید: سود بانکی یکی از متغیرهای تاثیرگذار در نظام اقتصادی کشور است که می‌تواند انگیزه‌ای برای دریافت وام توسط افراد

رونق داشته باشد، خللی در روند فعالیت بانک‌ها و بخش تولید ایجاد نمی‌شود، چرا که نقدینگی متناسب با تولید ملی افزایش پیدا می‌کند. این در حالی است که در کشور ما دلیل عمده افزایش پایه پولی، عدم ورود نقدینگی به بخش تولید است.

افقه می‌گوید: نبود سیاست‌های مشخص پولی و مالی در کشور زمینه رشد بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی را فراهم کرده است. در واقع این پدیده، ریشه در سیاست مالی و بانکی دولت دارد. با توجه به اینکه هزینه‌های مالی بودجه دولت بسیار بالاست و دولت نمی‌تواند از میزان هزینه‌های خود کم کند، به ناچار مجبور است به دنبال کسب درآمد برای پوشش هزینه‌های خود باشد. متأسفانه از آنجایی که درآمدهای نفتی در ایران بسیار سهل‌الوصول بوده، دولت نیز تلاشی برای کسب درآمد از طریق رونق بخش تولید نکرده و به جای آن برای تأمین منابع خود سراغ بانک مرکزی رفته است. وی معتقد است که بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی مسأله‌ای نیست که به‌سادگی قابل حل باشد بویژه اینکه

سیدمرتضی افقه، اقتصاددان و استاد دانشگاه در گفت‌وگو با «وطن امروز» یکی از دلایل عمده افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی را اولویت نداشتن بخش تولید در کشور می‌داند و می‌گوید: متأسفانه تولید در ایران به عنوان نخستین و مهم‌ترین اصل در رشد اقتصادی مطرح نیست، لذا تولیدکننده همواره با موانعی از جمله موانع اجرایی، بروکراسی‌های اداری، تغییرات مکرر مدیران و عملکرد سلیقه‌ای آنها مواجه است. ماحصل این عوامل، تولیدکننده را خسته و فرسوده کرده و در نتیجه تمایلی برای ورود نقدینگی‌های موجود به سمت تولید وجود ندارد. کاشی تولید و به تبع آن کاهش درآمدهای دولت، دولت را برای تأمین منابع بودجه مجبور به استقرار از بانک مرکزی می‌کند. به این ترتیب این چرخه معیوب همچنان طی سال‌های متبادی ادامه پیدا کرده و منجر به انباشت بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی شده است.

به گفته وی، یکی از دستاوردهای افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی افزایش پایه پولی در کشور است. این در حالی است که اگر در مقابل افزایش پایه پولی، تولید ملی

یک سیاست فعالی است. به این معنا که دولت در این بخش کاملاً منفعل عمل کرده و بودجه کشور را صرف هزینه‌هایی کرده که چندان در تولید ملی کشور تاثیرگذار نبوده، در کنار آن، انتخاب ساده‌ترین راه برای حل مشکل کسری بودجه یعنی استقرار از بانک مرکزی نیز فشار دوچندانی به بانک‌ها آورده است.

وی با اشاره به ناترازی پنهانی که در شبکه بانکی کشور وجود دارد، می‌افزاید: این ناترازی پنهان اقتصاد کشور را با خطر اساسی تشدید رکود، بیکاری، توزیع نابرابر درآمد و پتانسیل جهش تورمی روبه‌رو کرده است، بنابراین با توجه به پیچیدگی علل و عوامل بروز این ناترازی و همچنین ابعاد گسترش‌یافته آن، اقدامات موقتی مانند افزایش سرمایه بانک‌ها از محل حساب تسعیر بانک مرکزی یا اوراق‌سازی بدهی‌های دولت، مفید فایده نیست، بلکه حل این مشکل نیازمند وجود بسته سیاستی مشتعل بر اقدامات سریع و سازگار در حوزه سیاست پولی، سیاست ارزی، نظارت بانکی، بودجه دولت و همچنین پشتیبانی‌های جدی است.

حقیقی با حقوقی باشد. بازی کردن با سود بانکی یا نرخ بهره بانکی سیاست بسیار دقیق و حساسی است که کوچک‌ترین اشتباهی در اعمال آن باعث می‌شود سایر متغیرهای بانکی نیز دچار مشکل شود. این در حالی است که متأسفانه سیاست‌های بانکی طی چند سال اخیر به سمتی حرکت کرده که نتوانسته در کاهش استقرار از بانک‌ها تاثیرگذار باشد. طبیعتاً وقتی سود بانکی کاهش پیدا می‌کند، استقرار از بانک‌ها نیز کمتر می‌شود. وی ادامه می‌دهد: وقتی دولت هزینه‌ای را صرف می‌کند، حداقل انتظار این است که هزینه صرف شده به تولید ملی کشور بازگردانده شود، این در حالی است که نگاهی گذرا به ردیف‌های هزینه‌ای بودجه نشان می‌دهد دولت هیچ‌گاه هزینه‌های صرف شده به تولید کشور را عودت نداده است.

به گفته افقه، کسری بودجه می‌تواند یک سیاست فعال باشد، در واقع بسیاری از اقتصادهای توسعه‌یافته دنیا از سیاست کسری بودجه برای افزایش تولید استفاده می‌کنند، در حالی که سیاست کسری بودجه در کشور ما